



Reading the international legal and criminal capacity of the nuclear non-proliferation regime in light of the developments of the first decade of the 21st century

Peyman Namamian^{1*}, Amin Amani Babadi

*1 Corresponding Author, Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran, Email: p_namamian1512@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Law and Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran, Email: a.a.babadi1@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article History:
Received 20 October 2023
Received in revised form 20 December 2023
Accepted 6 January 2024
Available online 25 March 2024

Keywords:
International law, nuclear disarmament, non-proliferation regime, nuclear review conferences.

ABSTRACT

Research Objective: This research examines the crises in the nuclear non-proliferation regime and the need to strengthen international efforts to counter proliferation attacks. The main objective is to analyze the international legal and criminal capacities of the nuclear non-proliferation regime within the framework of developments in the first decade of the 21st century.

Research Methodology: This article uses a descriptive-analytical method to examine international documents, agreements, institutions, and norms related to the non-proliferation of nuclear weapons. It also analyzes preventive and deterrent approaches to the nuclear programs of non-nuclear states and military counter-proliferation responses.

Findings:

- The non-proliferation regime faces serious challenges in managing the risks of nuclear weapons escalation and preventing their development by non-nuclear states.
- Preemptive counterproliferation strikes, although they are part of the fight against the emergence of new nuclear powers, can lead to instability and increased international tensions.
- Strengthening the existing non-proliferation regime through international cooperation, negotiation, and transparency can be an effective way to deter proliferators and reduce the willingness to take risky military action.

Conclusion: Given the increase in counterproliferation strikes and the threats posed by the spread of nuclear weapons, it is essential to strengthen the international non-proliferation regime through legal and normative mechanisms. This research shows that multilateral and diplomatic approaches are more effective in preventing the spread of nuclear weapons than unilateral military actions.

Cite this article: Namamian, Amani Babadi, Peyman, Amin (1403). Reading the international legal and criminal capacity of the nuclear non-proliferation regime in light of the developments of the first decade of the twenty-first century, *Modern Research in Islamic Humanities Studies*, 6 (3), 49-64 . [http://doi.org/ 10.22034/API.2025.2042733.1059](http://doi.org/10.22034/API.2025.2042733.1059)





خوانش ظرفیت حقوقی و کیفری بین‌المللی نظام عدم گسترش هسته‌ای در پرتو تحولات دهه ابتدایی قرن بیست و یکم

پیمان نامیان^{۱*}، امین امانی بابادی^۲

^{۱*} دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک، اراک، ایران، ایمیل:

p_namamian1512@yahoo.com

^۲ استادیار، گروه حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، ایمیل: a.a.babadi1@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/ ۱۲/۲۸

هدف پژوهش: این پژوهش به بررسی بحران‌های موجود در رژیم منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای و ضرورت تقویت تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با حملات ضد اشاعه می‌پردازد. هدف اصلی، تحلیل ظرفیت‌های حقوقی و کیفری بین‌المللی نظام عدم گسترش هسته‌ای در چارچوب تحولات دهه اول قرن بیست و یکم است. **روش پژوهش:** مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی اسناد بین‌المللی، توافق‌نامه‌ها، نهادها و هنجارهای مرتبط با منع اشاعه تسلیحات هسته‌ای می‌پردازد. همچنین، رویکردهای پیشگیرانه و بازدارنده در قبال برنامه‌های هسته‌ای کشورهای غیرهسته‌ای و واکنش‌های نظامی ضد اشاعه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته‌ها:

- رژیم منع اشاعه در مدیریت خطرات تشدید تسلیحات هسته‌ای و جلوگیری از توسعه آن توسط کشورهای غیرهسته‌ای با چالش‌های جدی مواجه است.
- حملات ضد اشاعه پیشگیرانه، اگرچه در چارچوب مقابله با ظهور قدرت‌های هسته‌ای جدید قرار می‌گیرند، اما می‌توانند به بی‌ثباتی و افزایش تنش‌های بین‌المللی منجر شوند.
- تقویت رژیم موجود منع اشاعه از طریق همکاری بین‌المللی، مذاکره و شفافیت، می‌تواند راهکار مؤثری برای بازدارندگی اشاعه‌گران و کاهش تمایل به اقدامات نظامی مخاطره‌آمیز باشد.
نتیجه‌گیری: با توجه به افزایش حملات ضد اشاعه و تهدیدات ناشی از گسترش تسلیحات هسته‌ای، تقویت رژیم بین‌المللی منع اشاعه از طریق سازوکارهای حقوقی و هنجاری ضروری است. این پژوهش نشان می‌دهد که رویکردهای چندجانبه و دیپلماتیک، در مقایسه با اقدامات نظامی یکجانبه، کارآمدی بیشتری در پیشگیری از اشاعه تسلیحات هسته‌ای دارند.

کلیدواژه‌ها:

حقوق بین‌الملل، خلع سلاح هسته‌ای، نظام عدم گسترش، کنفرانس‌های بازنگری هسته‌ای.

استناد: نامیان، امین امانی بابادی، پیمان، امین (۱۴۰۳). خوانش ظرفیت حقوقی و کیفری بین‌المللی نظام عدم گسترش هسته‌ای در پرتو تحولات دهه ابتدایی قرن بیست و یکم، پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، ۶ (۳)، ۴۹-۶۴

یکم، پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، ۶ (۳)، ۴۹-۶۴

<http://doi.org/10.22034/API.2025.2042733.1059>



۱- مقدمه

گرایش روزافزون به استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در کنار ترس از گسترش تسلیحات هسته‌ای و وقوع جنگی هسته‌ای، جامعه بین‌المللی را به انعقاد معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۶۸) سوق داد. منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، حق استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برای همه اعضا و خلع سلاح هسته‌ای، سه ستون اصلی این معاهده را شکل می‌دهند. با وجود این، مفهوم، دامنه شمول و حدود حقوق و تعهدات دولت‌های عضو در رابطه با این ستون‌ها، همواره از مسائل مورد اختلاف گروه‌های مختلف دولت‌ها، به ویژه کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای بوده است (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۶).

با توجه به تحولات موجود در نظام بین‌المللی، گسترش سلاح‌های هسته‌ای به طور نسبی می‌تواند در حوزه امور دیپلماتیک و نظامی قرار گیرد (www.disarmament.un.org/wmd/npt/text/html, 1968) و مسأله گسترش به ندرت به طور انحصاری یا در وهله اول به عنوان مسأله‌ای مرتبط با اجرای قانون رسیدگی می‌شود. به علاوه ضرورتی ندارد اجرای حقوق بین‌الملل واکنش غیرحقوقی به گسترش را برکنار کند، بلکه باید سازوکارهای حقوق کیفری با حداکثر قدرت موجود باشند. عدم وجود این سازوکارها باعث اجبار در اتخاذ یک رویکرد غیرحقوقی در مواردی می‌شود که حقوق می‌تواند کاربرد مؤثری داشته باشد. بنابراین انگیزه اولیه برای سرشت‌نمایی گسترش به عنوان یک جرم بین‌المللی آن است که تصمیم‌گیرندگان بتوانند از سازوکارهای اجرای قانون بدون موانع نابه‌جا بهره‌مند شوند.^۱

نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای به عنوان مجموعه توافق‌نامه‌ها، نهادها و هنجارهای بین‌المللی که شفافیتی را در مورد قابلیت‌های تسلیحات هسته‌ای ایجاد کرده، خطرات را مدیریت کرده است. چندین دلیل پذیرفته شده وجود دارد که چرا رژیم عدم اشاعه مهم باقی می‌ماند. مزیت اصلی این است که کشورها را از دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای باز می‌دارد و امنیت و ثبات جهانی را تقویت می‌کند. علاوه بر این، همکاری بین‌المللی، مذاکره و شفافیت را ترویج نموده و رژیم هنجاری را علیه سلاح‌های هسته‌ای ایجاد می‌کند و از داشتن و استفاده از آنها پیشگیری می‌کند (Horschig, 2024: 1).

شکاف‌های موجود در حقوق بین‌الملل مربوطه (به طور قابل ذکر، عدم ممنوعیت اولیه تملک گروه زیرملی بر سلاح شیمیایی، سلاح بیولوژیک یا سلاح هسته‌ای) حداقل تا زمانی که گسترش به صورت یک فاجعه منفجر شود، توانمندی‌های اجرایی قانون را به حاشیه می‌کشاند. تصور یک بحث به نفع مشروعیت تملک گروه‌های زیرملی بر سلاح‌های هسته‌ای دشوار است و یک توافقنامه همه‌جانبه باید به هرگونه شک و تردید در این باره خاتمه دهد. به علاوه جرم‌انگاری باید بدون توجه به این که کشور دارای صلاحیت قضایی در مورد گروه‌های زیرملی به کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک یا معاهده عدم گسترش ملحق شده یا خیر، جهانی و فراگیر باشد (Black-Branch & Fleck, 2014: 58-63).

^۱ معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای یک دست‌آورد بین‌المللی قابل توجه و یک رژیم چندجانبه پایدار است که شامل ممنوعیت‌هایی در حوزه‌های توسعه، آزمایش، تولید، دستیابی، دراختیارداشتن، ذخیره‌سازی، استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد. لازم به ذکر است این معاهده در سپتامبر ۲۰۱۷ به تصویب رسید و در ۲۲ ژانویه ۲۰۲۱ لازم الاجرا شد. لازمه جهانی شدن این معاهده نیازمند یک کارسیاسی هدفمند است؛ چرا که مشارکت کشورهای هسته‌ای و کشورهای دارای سلاح هسته‌ای برای اجرایی شدن معاهده دشوار و به عبارتی مخالفت سیاسی وحشتناکی را در پی خواهد داشت. البته یک وضعیت نیازمند یک رویکردی متفاوت و فضایی گفت‌وگومانی است که باید با معیارهای ناظر بر مسائل حقوق بشری، حقوق بشردوستانه، اخلاق بین‌المللی و امنیت جهانی در دستورکار قرار گیرد. با توجه به کلیه تلاش‌های گسترده طرفداران صلح و حسن نیت بسیاری از کشورهای جهان متأسفانه اقدامی در راستای خلع سلاح از سوی کشورهای جهان صورت نگرفته است (بیرامی، امینی‌نیا و شاملو، ۱۴۰۱: ۲۵۱). در ضمن، کنوانسیون مزبور، با عدول از این دکترین که به طور خاص در معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای نمودار است و با اتکا به اصول و مبانی انسان‌دوستی و نیز موازین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، کاربرد سلاح‌های هسته‌ای و وسایل انفجاری هسته‌ای را منع می‌کند (عسگری، ۱۳۹۹: ۴۰۹).

پیش‌نویس معاهده هر کشور عضو را ملزم به جرم‌انگاری رفتار ممنوعه، گسترش دادن صلاحیت قضایی خود بر همه، بدون توجه به ملیت آن‌ها (نظریه صلاحیت قضایی جهانی)، اجرا و به کارگیری معیارهای در چهارچوب همکاری و مساعدت حقوقی و پذیرش همکاری در زمینه‌هایی که رفتار با یک جرم سیاسی ارتباط دارد، نموده است.

با وجود این، محدودیت پیش‌نویس معاهده این است که مسئولیت پیشگیری پیش از حمله را به هر یک از کشورهای عضو اختصاص داد، چراکه عمل پیش از حمله منع شده بر پایه قصد و نیت استوار است (در آمایش، هرگونه تسهیل‌سازی منظور شده برای تولید سلاح بیولوژیک یا سلاح شیمیایی دخیل است یا هر شخصی را در ارتکاب جرم با سلاح شیمیایی یا بیولوژیک مساعدت، ترغیب یا تحریک می‌کند). سایر کشورها یا نهادهای بین‌المللی از اختیارات تجسس یا بازدارش برخوردار نیستند. این بیشتر از یک تمایز معنایی است و تا همان بطن تمایز بین جرم‌انگاری جداگانه استفاده از گسترش پیش می‌رود.

۲- ماهیت و جایگاه خلع سلاح هسته‌ای در حقوق کیفری بین‌المللی

در سال‌های اخیر تمرکز افکار عمومی جهانی بر مسأله خلع سلاح و کنترل تسلیحات به گونه‌ای است که همگان تا حد زیادی از کلیت این فرایند آگاهی یافته‌اند. در این راستا «دکتر حسن روحانی» ریاست جمهوری اسلامی ایران در «نشست خلع سلاح هسته‌ای مجمع عمومی سازمان ملل متحد» در سال ۲۰۱۳ به صراحت ضمن اشاره به امحای کلیه تسلیحات هسته‌ای کشورهای دارنده، تأکید نمود تا اسرائیل نسبت به عضویت بدون تأخیر در رژیم عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای اقدام نماید (Hood, 2023: 598). افزون بر این، ایشان در اولین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۴ راجع به خلع سلاح جهانی هسته‌ای، بر ضرورت تمرکز تلاش‌های بین‌المللی برای خلع و امحای تسلیحات هسته‌ای و منع گسترش این سلاح‌ها تأکید کردند (www.president.ir/fa/71823). از این‌رو، اظهار نمودند «طی یک دوره بسیار طولانی، جهان در انتظار خلع سلاح هسته‌ای بوده است. نه در اختیار داشتن سلاح هسته‌ای برای مدت نامحدود قابل تحمل است و نه امحای کامل آن‌ها می‌تواند بیش از این به تأخیر افتد. مسئولیت اولیه در زمینه خلع سلاح هسته‌ای به عهده کشورهای هسته‌ای است. از طرف جنبش عدم تعهد، قویاً از این کشورها می‌خواهم به این تعهد حقوقی خود که انجام آن، مدت‌ها به تأخیر افتاده است، پایبند باشند. انجام تعهدات خلع سلاح هسته‌ای نباید بیش از این به تأخیر افتاده یا برای پیشبرد عدم اشاعه و یا تلقی‌های غیر واقعی از ثبات راهبردی به گروگان گرفته شود (Joyner, 2011: 27; Coppen, 2017: 48-51).

خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه، تقویت‌کننده یکدیگرند. آن‌ها باید هم‌زمان و نه به هزینه یکدیگر، مورد پیگیری واقع شوند. مشروعیت عدم اشاعه، از هدفی بزرگ‌تر که همان خلع سلاح هسته‌ای است، نشأت می‌گیرد. همچنین عدم اشاعه باید به صورتی جامع و غیرتبعیض‌آمیز تعقیب گردد. تا زمانی که سلاح هسته‌ای وجود دارد، خطر کاربرد، تهدید به استفاده و اشاعه آن‌ها نیز وجود دارد (ساعد و حجازی، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۳).

به‌علاوه، با برگزاری کنفرانس سال ۲۰۱۵ در خصوص بازنگری معاهده عدم گسترش در مقر سازمان ملل متحد، جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی از جنبش عدم تعهد^۲ بر نقش معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای به مثابه مبانی اساسی رژیم بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای نظام عدم گسترش و ارتقای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تأکید نمود.

۲. جنبش غیرمتعهدها یا عدم تعهد، یک سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۱ میلادی در اوج جنگ سرد در بلگراد، پایتخت یوگسلاوی، تأسیس شد و شامل کشورهایی می‌شد که به هیچ‌یک از بلوک‌های قدرت نظام جهانی وابستگی و تعهدی نداشتند، یعنی نه در اردوگاه کمونیسم قرار داشته و نه به اردوگاه سرمایه‌داری تعلق داشتند. این سازمان با پایان جنگ سرد نیز به فعالیت خود ادامه داده و در سال ۲۰۱۲ در مجموع یکصد و بیست دولت عضو و هفده عضو ناظر داشته‌است. ایده تشکیل چنین گروهی تا

همچنین در راستای سیاست‌های اتخاذ شده از سوی جنبش عدم تعهد در زمینه به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای، هرگونه استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای به مثابه جنایت علیه بشریت و نقض منشور ملل متحد و نیز حقوق بین‌المللی بشردوستانه تلقی شده است. بنابراین امحای کامل امکان استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در دکترین‌های نظامی جنبش مورد تأیید قرار دارد. از این رو، دولت‌های هسته‌ای باید با جدیت اعلام کنند که تحت هیچ شرایطی از سلاح هسته‌ای علیه دولت‌های غیرهسته‌ای استفاده نمی‌کنند.

آنچه در کنفرانس مزبور از سوی جمهوری اسلامی ایران مجدداً مورد تأکید قرار گرفت، این است که تا تحقق امحای کامل سلاح‌های هسته‌ای، حق مشروع دولت‌های غیرهسته‌ای این است که از طریق یک سند غیرقابل العا حقوقی تضمین‌های مؤثر، جهانی، غیرمشروط و غیرتبعیض‌آمیز دریافت دارند که سلاح هسته‌ای تحت هیچ شرایطی علیه آن‌ها استفاده نخواهد شد. هر چند مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس مبنی بر عدم رضایتمندی راجع به فقدان وجود اراده سیاسی برای بررسی و اعطای این حق مشروع به دولت‌های غیرهسته‌ای اعلام گردید (www.khabaronline.ir/detail/412022, 2015).

با این حال، بسترسازی برای گسترش این موازین به آنچه در مجموعه معاهدات بین‌المللی (حقوق قوام‌یافته) آمده محدود نمی‌شود، بلکه نهادهای مختلف بین‌المللی به دلایل مختلف در تکاپوی توسعه هنجارهای قوام نیافته هستند. گسترش حقوق بین‌الملل کیفری به منظور تقویت راه‌های تضمین اجرای حقوق خلع سلاح و عدم گسترش از جمله این موارد است. در واقع، مسأله این است که جامعه بین‌المللی با شناسایی حدود بیست‌وپنج نوع جنایت بین‌المللی، «آیا می‌تواند از طریق تقویت حقوق بین‌الملل کیفری که در حال گذران مراحل اولیه رشد و پیشرفت است؟» جنایت بیست‌وششم را با عنوان «گسترش سلاح‌های کشتار جمعی» شناسایی نماید. در این صورت، موضوع و عناصر تشکیل‌دهنده این جنایت و از همه مهم‌تر، کیفیت اعمال حقوق بین‌الملل کیفری در مورد گسترش این سلاح‌ها چگونه خواهد بود؟

برنامه مشترک دانشگاه‌های ساسکس و هاروارد در مورد تسلیحات و کنترل سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک وابسته به آکادمی امریکایی هنر و علوم به‌عنوان سازمانی غیردولتی، طراح ایده توسعه حقوق بین‌الملل کیفری به حوزه سلاح‌های کشتار جمعی بوده و در این راستا از همکاری حقوقدانانی همچون پرفسور کرافورد بهره گرفته است.

عینیت‌یافتن هرگونه تولید و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و استفاده از آن‌ها، نتیجه تصمیماتی است که از سوی اشخاص حقیقی اعم از مقامات رسمی، فعالان امر تجاری و بازرگانی، کارشناسان تسلیحات یا تروریست‌ها به عمل می‌آید. با این‌که این‌گونه اقدامات از طریق معاهدات بین‌المللی مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی منع شده است (ساعد، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۱).

ممنوعیت مندرج در آن‌ها اصولاً ماهیت بین‌الدولی داشته و جز در گستره‌ای محدود (وضع قوانین ملی توسط دولت‌های عضو و تسری این ممنوعیت‌ها به اشخاص حقیقی)، افراد را دربر نمی‌گیرد. در مواردی که قابلیت مجازات افراد به دلیل نقض ممنوعیت‌های

حد زیادی به ابتکار «یوسپ بروز تیتو» رئیس‌جمهور یوگسلاوی، «قوام نکرومه» نخستین رئیس‌جمهور غنا، «جمال عبدالناصر» دومین رئیس‌جمهور مصر، «جواهر لعل نهرو» اولین نخست‌وزیر هند و «احمد سوکارنو» نخستین رئیس‌جمهور اندونزی شکل گرفته بود. «کرشنا منون» دیپلمات هندی نیز نخستین شخصی بود که در سال ۱۹۵۳ در یکی از نشست‌های ملل متحد این اصطلاح را در اشاره به این نظریه به کار برد. ایران که به دلیل عضویت در پیمان نظامی مرکزی سنتو از عضویت در این جنبش محروم مانده بود، در سال ۱۹۷۹ پس از پیروزی انقلاب به جنبش عدم تعهد پیوست. در سال‌های اولیه حیات جنبش ایرانیان نام آن را به «جنبش ناوابستگان» ترجمه کردند، اما به دلیل عدم استقبال عمومی نام «غیرمتعهدان» مصطلح گردید. ایران بعد از پیوستن به جنبش در اجلاس سران ۱۹۷۹ در هاوانا و از آن به بعد در همه نشست‌های مختلف این جنبش حضور داشته‌است. لغو برگزاری هفتمین اجلاس سران در بغداد به دلیل جنگ ایران و عراق و انتقال این اجلاس به دهلی نو از مهم‌ترین رویدادهای جنبش به حساب می‌آید. شانزدهمین اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در روزهای ۹ و ۱۰ شهریور ۱۳۹۱ (۳۰ و ۳۱ اوت ۲۰۱۲) در تهران برگزار شد (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۴۷).

مقرر شده وجود نداشته نیز این فرایند بر اساس برخی اصول حقوق کیفری (سرزمینی بودن و شخصی بودن) استوار بوده و به این دلیل که عنصر قانونی در منع جهانی این اقدامات وجود ندارد. امکان اعمال صلاحیت جهانی آن نیز متنی است. به عبارت دیگر، هنوز برخی کشورها از قبول تعهدات این کنوانسیون‌ها و منع سلاح‌های کشتار جمعی خودداری می‌کنند.

از طرف دیگر، با این که مواد ۴ کنوانسیون منع گسترش سلاح‌های بیولوژیک (۱۹۷۲) و کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آن‌ها مسوب ۱۹۹۳ به اجرای ملی تعهدات این کنوانسیون‌ها به ویژه از طریق وضع قوانین کیفری اشاره دارند، اعمال صلاحیت کیفری را بر بیگانگانی که در خارج از قلمرو کشور مرتکب این جرائم شده، اما پس از آن به قلمرو کشور وارد یا مقیم شوند، به رسمیت نشناخته است.^۳

سال‌های متعددی تاکنون حقوقدانان و سایرین به بحث و جدل در این باره پرداخته‌اند که «آیا پذیرش بین‌المللی نظام عدم گسترش هسته‌ای منجر به طرح ممنوعیت گسترش سلاح هسته‌ای تا جایگاه حقوق بین‌الملل عرفی شده است؟» (Koplow, 1993: 390) شاهکار این نظام معاهده عدم گسترش هسته‌ای بوده که گسترش بیشتر سلاح هسته‌ای به فراتر از دولت‌های رسماً هسته‌ای وقت روسیه، امریکا، انگلستان، فرانسه و چین را ممنوع کرده است (Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, 1968).

اغلب معاهده عدم گسترش هسته‌ای را یکی از موفق‌ترین معاهدات کنترل تسلیحات تصور می‌کنند که منظور اسرائیل، هند و پاکستان هرگز آن را به امضا نرساندند و کره شمالی که پیش‌تر آن را به امضا رسانده بود، به‌عنوان کشور غیرعضو معاهده از آن انصراف داده است (www.disarmament2.un.org/TreatyStatus.nsf).

درخصوص موفقیت معاهده عدم گسترش هسته‌ای اقدامات بی‌شمار دیگری برای حذف گسترش سلاح هسته‌ای در مناطق وسیع دنیا به عمل آمده‌اند، از قبیل معاهدات همه‌جانبه نظیر معاهده منطقه فاقد سلاح هسته‌ای افریقا (African Nuclear-Weapon-Free Zone Treaty, 1996)، معاهده منع سلاح هسته‌ای در امریکای لاتین (Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America, 1967)، معاهده منطقه فاقد سلاح هسته‌ای جنوب اقیانوس آرام (South Pacific Nuclear Free Zone Treaty, 1985) و معاهده منطقه فاقد سلاح هسته‌ای جنوب شرقی آسیا (Treaty on the Southeast Asia Nuclear-Weapon-Free Zone, 1996)، معاهده ممنوعیت جامع آزمایش هسته‌ای (Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty, 1997)، معاهده منع محدود آزمایش هسته‌ای (Treaty Banning Nuclear Weapons in the Atmosphere, 1963) و خیلی موارد دیگر. این معاهدات با هم مبین توافق نظر اکید بین‌المللی در مورد مغایرت ادامه گسترش سلاح هسته‌ای با خواسته جامعه بین‌الملل می‌باشند (Spagnolo, 2022: 421).

سازمان ملل متحد هم مخالفت شدید خود را با گسترش سلاح هسته‌ای با پیشنهادات اکید درخصوص خاتمه‌دادن به گسترش آغاز نموده (G.A. Res, 1959)، با توصیه کردن معاهده عدم گسترش و پذیرفتن آن ادامه داده (G.A. Res, 1968) و حتی کلیه دولت‌ها را ملزم نموده گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله گسترش سلاح هسته‌ای را به موجب قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت ملل متحد غیرقانونی اعلام کنند (S.C. Res, 2004).

^۳. منظور از ابتکار عمل صورت‌گرفته در این راستا، هدایت حقوق بین‌الملل کیفری به سوی شناسایی نظارت ملی با صلاحیت جهانی برای تعقیب برخی جنایات در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی است.

دیوان بین‌المللی دادگستری هرچند به طور مستقیم مسأله گسترش سلاح هسته‌ای را مورد خطاب قرار نداده است، اما آشکار ساخته که استفاده از سلاح هسته‌ای غیرقانونی خواهد بود، حتی اگر در نبرد مسلحانه مورد استفاده قرار گیرد و تنها استثنای احتمالی آن شرایط حادی است که استفاده از آن آخرین راه چاره برای حفظ موجودیت یک کشور یک ملیتی باشد (Legality of the Threat (or Use of Nuclear Weapons, 1996).

از آنجا که نظام معاهداتی، سازمان ملل متحد، و دیوان بین‌المللی دادگستری همگی مؤید اجماع بین‌المللی در خصوص غیرقانونی بودن گسترش سلاح هسته‌ای هستند بحث اولیه مبنی بر این که چنین گسترشی متناقض با حقوق بین‌الملل است، مستدل به نظر می‌رسد.

علاوه بر این، وضع قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت ایجاب کرد دولت‌های عضو گسترش سلاح هسته‌ای را غیرقانونی اعلام کنند که به مثابه یک اصل عمومی مشترک در نظام‌های حقوقی عمده جهان چنین اعمالی را غیرقانونی می‌سازد (S.C. Res, 2004)، زیرا به نظر می‌رسد نظام حاضر گسترش سلاح هسته‌ای ارتباطی قوی با عناصر ابتدایی حقوق بین‌الملل عرفی دارد (استویبر، ۱۳۹۲: ۵۱).

در رابطه با نظام عدم گسترش هسته‌ای هیچ قضاوت یا نظری از سوی دادگاه‌های بین‌المللی دال بر حمایت مستقیم از این احتجاج وجود نداشته که منع گسترش یا فراتر از آن چیزی گذاشته که معاهدات دوجانبه و همه‌جانبه تشکیل‌دهنده این نظام، که البته تنها برای دولت‌های عضو لازم‌الاجرا می‌باشند، به طور ویژه تصریح نموده‌اند (Kittrie, 2007: 349-350). در ضمن آثار علمی در باب مغایرت گسترش سلاح هسته‌ای با حقوق عرف بین‌الملل دچار تناقض و ناسازگاری هستند و پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهند که شاید نظام عدم گسترش هسته‌ای به جای تعالی یافتن به صورت یک هنجار حقوق بین‌الملل عرفی در حال ضعیف شدن باشد (Koplow, 1993: 390; Carlson, 2008: 420-467; Kittrie, 2007: 349-350).

یک مانع دیگر بر سر راه به کارگیری حقوق عرف بین‌الملل برای جرم‌انگاری گسترش سلاح هسته‌ای جایگاه همیشه معترض دولت‌هایی است که خارج از نظام عدم گسترش هسته‌ای قرار دارند (Cogan, 2006: 189). انصراف کره شمالی از معاهده عدم گسترش و ملحق شدن آن به اسرائیل، پاکستان و هند جهت توسعه سلاح‌های هسته‌ای به خارج از نظام عدم گسترش هسته‌ای می‌تواند این کشورها را در قالب کشور همیشه معترض جا دهد و آن‌ها را مسئولیت به موجب هرگونه ممنوعیت گسترش سلاح هسته‌ای به منزله هنجاری از حقوق عرف بین‌الملل رها سازد (Bradley & Gulati, 2011: 1-30).

در صورت وجود قاعده‌ای در چهارچوب حقوق بین‌الملل عرفی مورد پذیرش اکثر دولت‌ها، این دولت‌های متجاسر که بزرگ‌ترین دغدغه برای جامعه بین‌الملل می‌باشند، به واسطه چنین هنجاری مقید نخواهند شد. این فقدان اعمال‌پذیری جهانی به همراه عدم توافق عمومی در میان فرهیختگان پیرامون تثبیت عدم گسترش سلاح هسته‌ای به‌عنوان یک هنجار حقوق بین‌الملل عرفی گویای آن است که نمی‌توانیم به حقوق عرف بین‌الملل به تنهایی به‌عنوان مبنایی برای جرم‌انگاری مؤثر گسترش سلاح هسته‌ای تکیه کنیم.

در سال‌های اخیر تمرکز افکار عمومی بر مسأله خلع سلاح و کنترل تسلیحات به گونه‌ای است که همگان تا حد زیادی از کلیت این فرایند آگاهی یافته‌اند. با این حال، بسترسازی برای گسترش این موازین به آنچه در مجموعه معاهدات بین‌المللی (حقوق قوام‌یافته) آمده، محدود نمی‌شود، بلکه نهادهای مختلف بین‌المللی به دلایل مختلف در تکاپوی توسعه هنجارهای قوام‌نیافته هستند. گسترش حقوق بین‌الملل کیفری به منظور تقویت راه‌های تضمین اجرای حقوق خلع سلاح و عدم گسترش از جمله این مورد است.

ایده جرم‌نگاری گسترش سلاح‌های کشتار جمعی به تازگی مطرح شده و در پی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، وجاهت عینی برای تعقیب و پیگیری یافته است، به نظر می‌رسد این فرایند بر سه مبنا استوار باشد: نخست، بلوغ سیستم بین‌المللی و نظم حقوقی در حوزه سلاح‌های کشتار جمعی، مقتضی جذب راهکارهایی در حقوق کیفری برای مقابله با گسترش این سلاح‌هاست؛ دوم با انعقاد کنوانسیون جدیدی در زمینه منع و مجازات گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تعهدات خلع سلاح و عدم گسترش که تاکنون بین‌الدولی بوده‌اند به تعهدات افراد تبدیل می‌شوند و بدین ترتیب، تعهدات دولت‌ها و افراد مجموعه فراگیری از نظام التزام بین‌المللی را فراهم خواهد ساخت؛ سوم، انعقاد این معاهده خلأهای موجود در حقوق بین‌الدولی موجود را نیز برطرف می‌سازد.

روند تحول حقوق بین‌الملل نشان می‌دهند شناسایی تضمین کیفری رعایت قواعد و موازین آن، به منزله حلقه تکمیل‌کننده مجموعه حقوقی عمل می‌کند. بر این اساس، ایده تضمین رعایت حقوق بین‌الملل از طریق کیفری، با منع و مجازات نقض فاحش حقوق بشر در زمان صلح و جنگ (جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی) وارد حقوق بین‌الملل عمومی شده است.

به‌هر روی، حقوق خلع سلاح و عدم گسترش همانند سایر بخش‌های حقوق بین‌الملل عمومی، ناظر بر تنظیم رفتار بازیگران بین‌المللی است و از این رو تعهدات و اقدامات منع‌شده در این معاهدات جنبه بین‌الدولی داشته و به‌صورت بی‌واسطه، رفتار افراد و دیگر اشخاص را دربر نمی‌گیرد؛ این در حالی است که اقدامات ممنوعه در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی اساساً توسط افراد اعم از مقامات دولتی، کارشناسان تسلیحات و یا کسانی که به تجارت تسلیحات اشتغال دارند، صورت می‌گیرد.

۳- توسعه نظام حقوقی معاهده عدم گسترش

تعهدات حقوق بین‌المللی معاهده عدم گسترش در خصوص سه موضوع بنیادی و مورد اهتمام که ساختار و پویایی معاهده مذکور را ایجاد می‌کند، متمرکز می‌شود:

در ابتدا، هر کشور طرف معاهده که دارنده سلاح‌های هسته‌ای می‌باشد، متعهد شده که سلاح هسته‌ای یا هر نوع ادوات هسته‌ای قابل انفجار دیگر یا کنترل بر آن‌ها را به هیچ‌گیرنده‌ای انتقال ندهد یا در استحصال سلاح‌های هسته‌ای توسط کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای مشارکت نداشته باشد (ماده نخست معاهده عدم گسترش). کشورهای هسته‌ای توافق نمودند به مسابقه سلاح‌های هسته‌ای خاتمه داده و به خلع سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند (ماده ۶ معاهده عدم گسترش).

به‌علاوه، هر کشور فاقد سلاح‌های هسته‌ای طرف معاهده متعهدشده هرگز در پی کسب چنین سلاح‌هایی مبادرت نرزد و فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را تحت تدابیر حفاظتی قرار دهد که از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نظارت می‌شوند (ماده ۲ و ۳ معاهده عدم گسترش).

در انتها، کلیه دولت‌های عضو معاهده عدم گسترش به توافق رسیدند هیچ نکته‌ای نباید به گونه‌ای تفسیر شود که حق مسلم هر یک از کشورهای عضو در انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز، بدون تبعیض و اغماض، تحت تأثیر قرار گیرد (بند ۱ ماده ۴ معاهده عدم گسترش). به‌علاوه کلیه کشورهای طرف معاهده ملزم هستند کامل‌ترین تبادل تجهیزات، مواد و اطلاعات علمی و فنی ممکن برای کاربرد صلح‌آمیز انرژی هسته‌ای را میسر سازند و از حق مشارکت در این امور برخوردار شوند (بند ۲ ماده ۴ معاهده عدم گسترش).

دولت‌های عضو معاهده در کنفرانس بازنگری ۱۹۹۵ باید تصمیم می‌گرفتند که آیا معاهده عدم گسترش را به طور نامحدود تمدید کرده و توسعه دهند یا اجازه دهند معاهده منقضی شود (بند ۲ ماده ۱۰ معاهده عدم گسترش). کشورهای طرف معاهده به‌منظور نیل به توافق کلی درخصوص تمدید نامحدود معاهده عدم گسترش مذاکراتی را صورت دادند که شامل موارد زیر بود:

الف- تصمیم‌گیری راجع به تقویت روند پنج‌ساله بازنگری از طریق نشست‌های کمیته مقدماتی که پیشنهادهاتی را برای کنترل بازنگری بعدی ارائه می‌کرد؛ ب- تصمیم‌گیری درخصوص به‌کار بستن «اصول و اهداف خلع سلاح و عدم گسترش هسته‌ای

(Principles and Objectives for Nuclear Non-Proliferation and Disarmament) که وضعیت را برای حرکت در راستای پیشگیری از گسترش هسته‌ای و پیشرفت در خلع سلاح هسته‌ای (www.disarmament.un.org/WMD/npt/1995dec2.htm, 1995) ارائه می‌نمود؛ ج- صدور قطعنامه‌ای که کشورهای خاورمیانه را ملزم کند تا یک منطقه فاقد سلاح‌های کشتار جمعی قابل تأیید در خاورمیانه را تعیین نمایند (www.disarmament.un.org/WMD/npt/1995dec2.htm, 1995).

کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۰ با عواقب نامطلوب سیاسی حاصل از اجرای آزمایش هسته‌ای هند و پاکستان در سال ۱۹۹۸ و نیز حاصل از فعالیت‌های هسته‌ای فراگیر شبکه عبدالقادر خان (A.Q. Khan Network) در پاکستان مواجه شد. کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۰ از میان کلیه امور، اقدامات راهبردی را برای اجرایی نمودن تعهدات مقرر در ماده ۶ معاهده عدم گسترش در مورد خلع سلاح را به کار بست و رأی کنفرانس بازنگری ۱۹۹۵ درخصوص ضوابط و اهداف عدم گسترش و خلع سلاح هسته‌ای را پذیرفت (www.disarmament.un.org/wmd/npt/nptrevdocuments.html, 2000). مع‌الوصف اقدامات راهبردی شامل موارد ذیل می‌باشند:

الف- اجرای زودهنگام معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای (CTBT: Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty)؛
ب- مذاکره پیرامون یک معاهده غیرتبعیض‌آمیز و همه‌جانبه که در سطح بین‌المللی و به‌طور کارآمد قابل تأیید باشد و تولید ماده شکافت‌پذیر برای سلاح‌های هسته‌ای یا ادوات هسته‌ای قابل انفجار دیگر را ممنوع نماید؛ ج- خلع سلاح بی‌بازگشت توسط کشورهای هسته‌ای.

کنفرانس بازنگری ۲۰۰۵ در محیط سیاسی دگرگونی‌برگزار گردید که در اثر حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا (Hijacked jets Destroy Twin Towers and Hit Pentagon in Day of Terror, 2001; Kean & Hamilton, 2004)

و اقدامات ضدتروریستی متعاقب آنکه از سوی آمریکا و سایر کشورها صورت پذیرفت.

این کنفرانس با چالش‌های بسیاری همچون حملات نظامی آمریکا به عراق برای از بین بردن برنامه‌های سلاح‌های کشتار جمعی عراق، تشدید علاقمندی آمریکا به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در شرایط و محیط‌های گوناگون (www.globalsecurity.org/wmd/library/policy/dod/npr.htm, 2002)، انعقاد توافقنامه همکاری هسته‌ای میان آمریکا

و هند و خروج جمهوری دموکراتیک خلق کره (DPRK: Democratic People's Republic of Korea) از معاهده عدم گسترش (Kirgis, 2003: 1) علاوه بر این، کشورهای طرف معاهده احساس کردند.

پیشرفت چندانی در رابطه با اهداف خلع سلاح هسته‌ای که در کنفرانس بازنگری ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ مطرح شدند، به عمل نیامده است.^۴ همچنین لازم به ذکر است کوبا در سال ۲۰۰۲ طی یادداشت تفاهمی به معاهده عدم گسترش پیوست و لیبی در سال ۲۰۰۴ برنامه سلاح‌های هسته‌ای‌اش را محو کرد.

^۴ به‌عنوان نمونه نتایج موجود در «معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای» و «معاهده منطقه فاقد سلاح هسته‌ای در آسیای مرکزی» نشانگر تنها پیشرفت واقعی بود که در رابطه با «اصول و اهداف خلع سلاح و عدم گسترش هسته‌ای» به عمل آمد. لازم به ذکر است که معاهدات مذکور در کنفرانس بازنگری سال ۱۹۹۵ پذیرفته شده و از سوی کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا گردیدند.

کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۵ پس از مذاکرات طولانی در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ تلاش‌هایی را جهت نیل به توافق نظر در دستور کار صورت داد. با این که تنها چند روز برای انجام مذاکره اساسی باقی مانده بود، کنفرانس بازنگری به ارائه گزارش مختصر ختم شد و هیچ راهبردی را در رابطه با اقدامات راهبردی اتخاذ نگردیدند (www.un.org/events/npt2005/reports.html, 2005).

۴- کنفرانس‌های بازنگری؛ از ابتکارهای اولیه تا سنجش رویکردها

اولین نشست کنفرانس بازنگری برای کنفرانس بازنگری سال ۲۰۱۰ با انعکاس چالش‌های که در کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۵ ایجاد شده بود، در مذاکراتی طولانی راجع به دستور کار برگزار شد.

در مدت زمان محدودی که برای مذاکره درخصوص موضوعات بسیار مهم و اساسی باقی مانده بود، توجه کنفرانس بازنگری در رابطه با سه مجموعه از موضوعات متمرکز گردید، اما هیچ اجماعی درخصوص آن‌ها حاصل نگردید.

ریاست کنفرانس گزارش مختصر این مذاکرات را تهیه نمود، اما تنها پس از انجام مذاکره طولانی، کمیته مقدماتی گزارش مزبور را به منزله یک سند کاری منتشر کرد، نه به منزله یک بخش از گزارش نهایی تا به اتفاق آرا پذیرفته شود (www.un.org/NPT2010/documents.html, 2010). در مقایسه با عدم پیشرفت در نشست کنفرانس بازنگری سال ۲۰۰۵

و کمیته مقدماتی سال ۲۰۰۷، نشست کمیته مقدماتی سال ۲۰۰۸ تا حدی موفقیت‌آمیز بود (www.un.org/NPT2010/SecondSession, 2008;) نمایندگان حاضر در کمیته مقدماتی به طور اساسی به ارزیابی سه محور مورد اهتمام راجع به معاهده عدم گسترش پرداختند. با این وجود، مذاکرات اعضای کمیته مقدماتی، شک و تردید در مورد تمایل کشورهای هسته‌ای را در رابطه با خلع سلاح، تعهدات کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای در رابطه با عدم گسترش و محدودیت‌های دسترسی به فناوری هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز را آشکار ساخت. این وضعیت چالش‌های جدی را برای کنفرانس بازنگری سال ۲۰۱۰ ایجاد نمود.

محور نخست مناظره بر تعهدات کشورهای هسته‌ای راجع به خلع سلاح مقرر در ماده ۶ معاهده عدم گسترش و مسائل مربوط به ضمانت امنیت متمرکز بود. کمیته مقدماتی از اقدامات فرانسه، روسیه، انگلستان و آمریکا در خصوص خلع سلاح استقبال نمود. با این حال وجود نگرانی‌ها در مورد این که کشورهای هسته‌ای در حال توسعه و استمرار طول عمر زرادخانه‌های هسته‌ای آشکار بود که با ماده ۶ مغایرت داشتند.

نمایندگان نیز در مورد استقرار سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای، تحت لوای «مفهوم راهبردی ناتو (NATO Strategic Concept)» ابراز نگرانی کردند (http://www.nato.int/docu/pr/1999/p99-065e.html, 1999;) و همکاری هسته‌ای با کشورهای که

معاهده را امضا نکرده بودند (توافقنامه همکاری هسته‌ای آمریکا و هند) مواد ۱ و ۲ معاهده عدم گسترش را نقض می‌کنند. بعضی از نمایندگان با انعکاس اهمیت احیاء شده سلاح‌های هسته‌ای در دکترین راهبردی کشورهای هسته‌ای و حساسیت و آسیب‌پذیری کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای، طی فراخوانی از کشورهای هسته‌ای درخواست نمودند تا تضمین‌های غیرمشروط و الزام‌آور حقوقی را برای تأمین امنیت مبنی بر عدم حمله هسته‌ای به یک کشور فاقد سلاح‌های هسته‌ای ارائه کنند. برخی از کشورهای طرف معاهده، قید و شرط بزرگ معاهده عدم گسترش را یادآوری کرده و از کشورهای هسته‌ای خواستند تا اقدامات اساسی خلع سلاح را برای کاهش عدم اعتماد روزافزون به عمل آورند. همچنین این که عده کثیری از نمایندگان، اقدامات راهبردی را بهترین گزینه برای خلع سلاح تشخیص دادند، چراکه اقدامات مذکور شامل ارائه گزارش استاندارد و موشکافانه در مورد امور خلع سلاح مطابق با اصول و ضوابط شفافیت، تأییدپذیری و برگشت‌ناپذیری بودند.

اکثر نمایندگان حاضر در کمیته مقدماتی بر اهمیت «معاهده منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای» برای دستور کار خلع سلاح تأکید نمودند. نمایندگان به‌منظور دائمی کردن مهلت قانونی حاضر در مورد آزمایش هسته‌ای^۵ نه کشور^۶ باقیمانده را ملزم به تصویب معاهده مذکور کردند تا آن را اجرایی کنند. پیشرفت معاهده فوق با فراخوان برای شروع مذاکرات مربوط به معاهده امحای مواد شکافت‌پذیر به‌منظور تحدید مقدار مواد شکافت‌پذیر تولید شده و تنظیم مواد موجود مرتبط بود.

محور دوم مذاکرات بر دومین محور معاهده عدم گسترش، از جمله استانداردهای ایمنی عدم گسترش درخصوص تأسیسات هسته‌ای غیرنظامی و مناطق فاقد سلاح‌های هسته‌ای، متمرکز بود. بسیاری از کشورهای طرف معاهده، نقض ماده ۳ از معاهده عدم گسترش را آشکار ساختند که با تقبیح برنامه هسته‌ای ایران و قصور آن در پیروی از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و الزامات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شروع می‌شد، اما ایران طی واکنشی منطقی، ضمن تکذیب اتهامات موجود، بر همکاری کامل خود با آژانس تأکید ورزید.

به علاوه چالشی که توسط جمهوری دموکراتیک خلق کره، به ویژه آزمایش هسته‌ای اعلام‌شده‌اش در سال ۲۰۰۶ نیز مورد تبادل نظر قرار گرفتند، کشورهای طرف معاهده، جمهوری دموکراتیک خلق کره را ملزم ساختند تا ضمن پیاده‌سازی تأسیسات هسته‌ای، تمام جزئیات کامل درخصوص انبارهای هسته‌ای موجود را تهیه نماید.

همچنین برخی از کشورهای طرف معاهده، همکاری هسته‌ای ادعا شده میان جمهوری دموکراتیک خلق کره و سوریه را که پیش از نشست کمیته مقدماتی مه ۲۰۰۸ در مطبوعات آشکار گردید، به‌عنوان نقض معاهده عدم گسترش مطرح کردند که موجب شد سوریه به تکذیب آن بپردازد.

از سوی دیگر نشست مه ۲۰۰۸ کمیته مقدماتی به دستیابی به منطقه‌ای فاقد سلاح کشتار جمعی در خاورمیانه توجه داشت و بعضی نمایندگان در کنفرانس بازنگری ۱۹۹۵، بخشی از مذاکره اصلی را برای تمديد نامحدود معاهده عدم گسترش، لحاظ کردند. علاوه بر این، نمایندگان حاضر در کمیته مقدماتی از کشورهای هسته‌ای خواستند تا احتمال صلح را در خاورمیانه افزایش دهند.

محور سوم مذاکرات در رابطه با بحث و تبادل نظر پیرامون عدم واگذاری تحقیقات، تولید و استفاده انرژی هسته‌ای به‌منظور مقاصد صلح‌آمیز (ماده ۴ معاهده عدم گسترش) و شرایط خروج از معاهده عدم گسترش بود (ماده ۱۰ معاهده عدم گسترش).

برخی از کشورهای طرف معاهده، به‌منظور محدود ساختن خطر گسترش و کاهش هزینه‌های مالی، زیست‌محیطی و بهداشتی تولید انرژی هسته‌ای، پیشنهاد کرده‌اند چرخه سوخت هسته‌ای تحت کنترل چندجانبه قرار گیرد و تأمین آن برای هر کشوری که از تولید اورانیوم و پلوتونیوم سرباز زند، تضمین‌هایی دربر دارد.

معهدا بسیاری از کشورهای طرف معاهده به خاطر این برداشت که منافع تجاری یا راهبردی کشورهای هسته‌ای، انگیزه‌ای برای این طرح‌های پیشنهادی بوده، تمایلی به پذیرش آن‌ها نداشتند. در ضمن تعدادی از نمایندگان حاضر در کمیته مقدماتی راجع به طرح‌های پیشنهادی که موجب وابستگی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای به تعداد محدودی از تأمین‌کنندگان سوخت هسته‌ای می‌شدند و همین‌طور در مورد محدودیت‌های پیشنهادی وارده بر حق عدم واگذاری انرژی هسته‌ای برای اهداف صلح‌آمیز ابراز نگرانی کردند.

به علت چالش‌هایی که در اثر خروج جمهوری دموکراتیک خلق کره از معاهده عدم گسترش ایجاد گردید، کشورهای طرف معاهده، تقویت سازوکارهای ماده ۱۰ را برای تصریح فرایند خروج مد نظر قرار دادند. بسیاری از نمایندگان با تشخیص این‌که خروج فوق می‌تواند تأثیر نامطلوبی ایجاد کند که معاهده عدم گسترش را تضعیف خواهد کرد، از تعیین تعهداتی برای جبران هرگونه تخلف و

^۵. کشورهای مزبور شامل چین، جمهوری دموکراتیک خلق کره، مصر، هند، اندونزی، ایران، اسرائیل، پاکستان و آمریکا بودند.

نقض معاهده قبل از خروج و انصراف و برای بازپس‌گیری کلیه فناوری‌ها و تسهیلات اخذشده در طول عضویت در معاهده عدم گسترش برای کشور تأمین‌کننده حمایت کردند.

نکته مورد اتمام این‌که عده‌ای از کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای آشکار نمودند که یک کشور طرف معاهده می‌تواند به‌خاطر منافع حیاتی کشورش و بی‌آنکه صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکند، از معاهده خارج و از عضویت در آن انصراف دهد (بند اول ماده ۱۰ معاهده عدم گسترش).

۴- نتیجه‌گیری

هرچند کمیته مقدماتی سال ۲۰۰۸ چند بیانیه مثبت و مناظره‌ای سازنده را ارائه نمود، اما نتوانست در مورد اقداماتی (ابتکاراتی) که راه پیشرفت در کنفرانس بازنگری سال ۲۰۱۰ را هموار می‌سازد، به اجماع کلی برسد. بیانیه امریکا با نشان‌دادن عدم توافق در خصوص راه پیش رو، مبنی بر این‌که عدم گسترش بی‌چون و چرا منفعتی اصلی و مهم است که معاهده عدم گسترش در خدمت آن می‌باشد با دیدگاه بسیاری از کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای مبنی بر این‌که قصور و کوتاهی کشورهای هسته‌ای برای خلع سلاح، بقای معاهده عدم گسترش را تهدید می‌کند، تناقض دارد.

برخی کشورهای طرف معاهده با توجه به استیصال کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای، انگیزه کشورهای طرف معاهده را برای عدم خروج از معاهده، در حالی که کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای به‌خاطر عدم مشارکت پاداش می‌گیرند، از چهارچوب فعالیت قانونی معاف بوده و آزادانه می‌توانند سلاح هسته‌ای بسازند، زیر سؤال می‌برند. تعداد تعداد روزافزونی از کشورهای داخل و خارج از معاهده به تدریج به مزیت‌های مطلوب عدم عضویت در معاهده پی می‌برند. به‌طور همزمان تعداد دیگری از کشورهای طرف معاهده نگرانی‌های فزاینده‌ای درخصوص گسترش افقی و پیگیری سلاح‌های هسته‌ای در زیر نقاب برنامه‌های هسته‌ای صلح‌آمیز را دارند.

منابع و ماخذ

۱. استویبر، کارلتون (۱۳۹۲). «شورای امنیت سازمان ملل متحد و حقوق هسته‌ای». ترجمه پیمان نمایان، فصلنامه حقوقی مجد، ۲۷: ۴۶-۵۸.
 ۲. بابایی، مجتبی (۱۳۹۴). «استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران». مجله حقوقی دادگستری، ۹۲(۷۹): ۳۳-۵۲.
 ۳. بیرامی، گودرز، امینی‌نیا، عاطفه و شاملو، سوده (۱۴۰۱). «ابعاد خلع سلاح هسته‌ای از منظر معاهده منع تسلیحات هسته‌ای». مطالعات بین‌المللی، ۱۹(۳): ۲۶۹-۲۵۱.
 ۴. ساعد، نادر (۱۳۸۷). «در تکاپوی تکوین فرازهایی جدید در حقوق خلع سلاح: نقد رهیافت مسئولیت بین‌المللی کیفری». پژوهشنامه خلع سلاح، ۲(۴): ۴۱-۴۳.
 ۵. ساعد، نادر و حجازی، سیدحسن (۱۳۹۲). حقوق سلاح‌های متعارف (سیر تحول، موازین و ملاحظات دفاعی). چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز مطالعات راهبردی دیپلماسی دفاعی، معاونت امور بین‌الملل، مطالعات و ارتباطات دفاعی
 ۶. جوانمرد، لیلا (۱۴۰۳). شرایط ایجاد سرقفلی و حق کسب در حقوق ایران با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه، نشریه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۰۳-۱۱۹
- [10.22034/API.2024.2040733.1051](https://doi.org/10.22034/API.2024.2040733.1051)
۷. سواری، حسن (۱۳۹۲). نگاه هرمنوتیک به موضوع خلع سلاح در منشور با تأکید بر نقش‌آفرینی ارکان سازمان ملل. در جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست و یکم (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمد رضا ضایبی‌بیگدلی)، به‌اهتمام سیدقاسم زمانی، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوق شهر دانش.
 ۸. ظریف، محمدجواد (۲۰۱۵). متن سخنرانی در کنفرانس ۲۰۱۵ بازنگری معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای. <http://www.khabaronline.ir/detail/412022>
 ۹. عبداللهی، محمود (۱۳۹۳). جنبش عدم تعهد. چاپ اول، تهران: وزارت امور خارجه به سفارش دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
 ۱۰. عسگری، پوریا (۱۳۹۹). «معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای: درنای کاغذی سپهر حقوق بین‌الملل». تحقیقات حقوقی، ۲۳(۹۲): ۴۰۹-۴۳۶.
 ۱۱. محمودی، میرزایی، حسین، داوود، (۱۴۰۳) نقش نهاد تصفیه ورشکستگی در تامین امنیت روانی جامعه، نشریه پژوهش‌های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵، شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۰۳-۱۱۹
- [10.22034/API.2024.2040620.1050](https://doi.org/10.22034/API.2024.2040620.1050)
۱۲. نیازمند، علیرضا (۱۳۹۸). «وعده‌های تحقق نیافته پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و چالش‌های پیش‌رو: تلاش برای بقاء یا فروپاشی تدریجی؟». مطالعات بین‌المللی، ۱۶(۱): ۸۳-۱۰۲.

13. Addendum (2005). Available at: <http://www.asil.org/insights/2005/09/insights050929.html>.

14. African Nuclear-Weapon-Free Zone Treaty. (1995). 35 I.L.M. 698 (1996).

15. An unofficial draft copy of the Chairman's Summary as presented to the 2008 PrepCom. Available at: <http://www.reachingcriticalwill.org/legal/npt/prepcom08/WP/fact-sum.pdf>.
16. An unofficial record of this Statement, as presented to the PrepCom. (2008). Available at: <http://www.un.org/NPT2010/SecondSession/statements.html>.
17. As of this writing, The 2008 Final Report and the official Chairman's Summary were not available. (2008). Available at: <http://www.un.org/NPT2010/SecondSession/>.
18. Associated Press, Diplomats: US to supply nuclear technology to Iran. (2006). Available at: <http://www.ynetnews.com/articles/0,7340,L-3259620,00.html>.
19. Available at: <http://www.reachingcriticalwill.org/legal/npt/prepcom08/statements.html>.
20. Available at: <http://www.un.org/events/npt2005/statements/nptngo-Naughton.pdf>.
21. Black-Branch, Jonathan & Fleck, Dieter (2014). *Nuclear Non-Proliferation in International Law*. Schimmelpennincklaan: Springer/TMC Asser Press, Volume 1, pp.58-63.
22. Bradley, Curtis A & Gulati, G. Mitu (2010). "Customary International Law and Withdrawal Rights in an Age of Treaties". *Duke J. of Comp. & Int'l L.*, 21(1): 1-30.
23. Carlson, Geoffrey S (2008). "An Offer They Can't Refuse? The Security Council Tells North Korea to Re-Sign the Nuclear Non-Proliferation Treaty". *Columbia Journal of Transnational Law*, 46(2): 420-467.
24. Chairman's Working Paper (NPT/CONF.2010/PC.I/WP.78) and Report of the Preparatory Committee on its First Session (NPT/CONF.2010/PC.I/22). Available at: <http://www.un.org/NPT2010/documents.html>.
25. Cogan, Jacob Katz (2006). "Noncompliance and the International Rule of Law". *Yale J. of Int'l L.*, 31: 189-210.
26. Comprehensive Nuclear Test Ban Treaty. (1996). S. Treaty Doc. No. 105-28 (1997), 35 I.L.M. 1439.
27. Coppen, Tom (2017). *The Law of Arms Control and the International Non-proliferation Regime: Preventing the Spread of Nuclear Weapons*. Publisher Brill | Nijhoff.
28. Final Document: (2005). Review Conference (NPT/CONF.2005/57 "Part I"). Available at: <http://www.un.org/events/npt2005/reports.html>.

29. Final Document: 2000 Review Conference, Volume 1, Part I, 1-13 of 15 of Section "Article VI and Eighth to Twelfth Preambular Paragraphs (pp.14-15 of NPT/CONF.2000/28 (Part I). Available at: <http://www.disarmament.un.org/wmd/npt/nptrevdocuments.html>.
30. G.A. Res. 1380 (XIV), U.N. Doc. A/RES/1380 (1959).
31. G.A. Res. 2373 (XXII), U.N. Doc., A/RES/2373 (1968).
32. Joyner, Daniel H (2011). *Interpreting the Nuclear Non-Proliferation Treaty*. Oxford: Oxford University Press.
33. Kean, Thomas H & Hamilton, Hee H (2004). *The 9/11 Report: The National Commission on Terrorist Attacks Upon the United States*.
34. Kirgis, FL (2003). North Korea's Withdrawal from the Nuclear Nonproliferation Treaty, ASIL Insight. Available at: <http://www.asil.org/insights/insigh96.htm>.
35. Kirgis, FL (2005). Iran's Resumption of its Nuclear Program, ASIL Insight. Available at: <http://www.asil.org/insights/2005/08/insights050822.html>.
36. Kittrie, Orde F (2007). "Averting Catastrophe: Why the Nuclear Non-proliferation Treaty is Losing its Deterrence Capacity and How to Restore It". *Mich J. Int'l L*, 337: 349-350.
37. Koplow, David A (1993). Parsing Good Faith: Has the United States Violated Article VI of the Nuclear Non-Proliferation Treaty?. *Wis. L. Rev.* 301: 390.
38. Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, 1996 I.C.J. 226 (1996). By a State of Nuclear Weapons in Armed Conflict, Advisory Opinion.
39. Makhijani, Arjun; Deller, Nicole & Burroughs, John (2003). Compliance Assessment of North Korean and U.S. Obligations Under the Non-Proliferation Treaty and 1994 Agreed Framework, Institute for Energy and Environmental Research. Available at: <http://www.ieer.org/reports/treaties/nkorea.html>.
40. Horschig, Doreen (2024). Reinforcing the Nuclear Nonproliferation Regime. *lawfare*, <https://www.lawfaremedia.org/article/reinforcing-the-nuclear-nonproliferation-regime>
41. Hood, Anna (2023). Roadblocks to Disarmament in the Nuclear Non-Proliferation Treaty System. *Journal of Conflict and Security Law*, 28(3): 593-614.
42. Philp, Catherine (2009). Iran Threatens to Pull out of Nuclear Non-Proliferation Treaty, *The Sunday Times*. Available at:
43. http://www.timesonline.co.uk/tol/news/world/middle_east/article6937739.ece.



44. Principles and Objectives for Nuclear Non-Proliferation and Disarmament. (1995). NPT/CONF.1995/32 (Part I), Annex. Available at:
45. <http://www.disarmament.un.org/WMD/npt/1995dec2.htm>.
46. S.C. Res. 1540, U.N. Doc. S/RES/1540 (2004).
47. Sharp, Travis & Poff, Erica (2008). Understanding and Preventing Nuclear Terrorism, The Center for Arms Control and Non-Proliferation. Available at: <http://www.president.ir/fa/71823>.
48. South Pacific Nuclear Free Zone Treaty. (1985). 24 I.L.M. 1440 (1985).
49. Spagnolo, Andrea (2022). International Legal Obligations Related to Nuclear Disarmament and Nuclear Testing. In: International Law and Chemical, Biological, Radio-Nuclear (CBRN) Events, Publisher Brill | Nijhoff, pp: 417-438.
50. Status of Multilateral Arms Regulation and Disarmament Agreements. (1988). Available at: <http://www.disarmament2.un.org/TreatyStatus.nsf>.
51. The Alliance's Strategic Concept, Apr. 24, 1999, at <http://www.nato.int/docu/pr/1999/p99-065e.html>. [at para 63].
52. There have been many U.N. Security Council Resolutions regarding sanctions for Iran's nuclear weapons program. (2007). Recent resolutions include: S.C. Res. 1737, U.N. Doc. S/RES/1737 (Dec. 23, 2006); S.C. Res. 1747, U.N. Doc. S/RES/1747.
53. Treaty Banning Nuclear Weapons in the Atmosphere, in Outer Space and Under Water. (1963). 14 U.S.T.
54. Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America. (1967). 6 I.L.M. 521 (1967).
55. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons, opened for signature. (1968)
56. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons. (1968). Available at <http://www.disarmament.un.org/wmd/npt/npt/text.html>.
57. Treaty on the Southeast Asia Nuclear Weapon-Free Zone, (1995). 35 I.L.M. 635 (1996).
58. U.S. Department of Defense. (2002). Nuclear Posture Review, pp.12-13. Available at: <http://www.globalsecurity.org/wmd/library/policy/dod/npr.htm>.
59. US Attacked: Hijacked jets Destroy Twin Towers and Hit Pentagon in Day of Terror. (2001). New York Times, 12 sept, at 1: Terrorists Hijack 4 Airliners, Destroy World Trade Center, Hit Pentagon; Hundreds Dead; Washington Post, 12 sept, at 1: For an authoritative analysis of these events.